

سیمای انبیای الهی در خمسه نظامی

ناصر کاظم خانلو^۱، اکبر شاملو^۲، فاطمه آقابابایی^۳

^۱استادیار دانشگاه پیام نور همدان

^۲استادیار دانشگاه پیام نور همدان

^۳کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

چکیده

بسیاری از شاعران آثار خود را بعد از نام و یاد خداوند و بزرگی و جلال او به نعت ستایش پیامبران و امامان می‌پردازند. اشاره به داستان پیامبران از حضرت آدام تا حضرت خاتم و شرح صفات و بیان کرامات و معجزات آنها موجب ظرافت و لطافت خاصی در آثار آنها گردیده است. شاعران با تلمیح به سرگذشت انبیا الهی مضامین مختلفی را در حوزه ادبیات آفریده اند. نظامی نیز از این مقوله مستثنی نبوده است واز جمله شاعرانی است که به توضیح مسئله معراج در دیوان و اشعار خود پرداخته است و این نشان بر اعتقادات دینی شاعر است. در این مقاله سعی بر آن است که تعدادی از ابیاتی را که در مورد پیامبران در خمسه ایشان سروده شده است را بررسی نماییم.

واژه‌های کلیدی: پیامبران، نظامی، تلمیحات.

مقدمه:

اشاره به داستان انبیاء الهی در ادبیات فارسی رونق فراوان و گستردگی خاصی داشته است؛ به ویژه آنجا که شاعران با الهام از آیات و احادیث به سرگذشت پیامبران نظر افکنده و موجب خلق آثار و مضامینی نودرحیطه ادبیات عرفانی شده اند. تاثیر پذیری از آیات و احادیث و اشاره به داستان پیامبران و انبیاء در دیوان شاعران متفاوت و مختلف بوده است؛ اما اصل مطلب این است که کمتر شاعری را میتوان یافت که در دیوان و آثار خود به خداوند، آیات، احادیث و پیامبران اشاره نکرده باشد و این شاید نشان از پیروی آنان از قرآن کریم باشد که نخستین درس عشق شاعران و اندیشه وران بوده است. نظامی نیز از جمله شاعرانی است که در خلال سروده ها و ابیاتش بر ذکر داستانهای انبیاء الهی اشاره نموده است (حمیدی، ۱۳۶۶).

حکیم جمال الدین ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی بن موید نظامی گنجوی یکی از شاعران و مثنوی سرایان بزرگ و پر فروغ قرن ۶ هجری است که تذکره نویسان محل تولد او را در گنجه دانسته اند. "تاریخ ولادت او معلوم نیست لیکن با دقت در بعضی از اشعار او می توان آن را در حدود سال ۵۳۰ یا اندکی بعد از آن دانست" (صفا، ۱۳۶۶: ۸۰۱-۸۰۰). دوران رشد و بالندگی و تحصیل نظامی در شهر گنجه سپری شد و جز سفر کوتاهی که به دعوت قزل ارسلان به یکی از شهرهای نزدیک گنجه داشت بقیه عمر او را در آنجا گذراند و در سال ۶۱۴ از دنیا رفت و در همان شهر گنجه به خاک سپرده شد (زنجانی ۱۳۸۴).

در تاریخ شعر فارسی اکثر شاعران زمینه های مختلف را آزموده اند و در این میان تنها شاعرانی که مثنوی سرا بوده اند فردوسی در قرن چهارم و نظامی که در رأس سرایندگان مثنوی های عاشقانه و داستان سرایان در قرن ششم بوده اند. نظامی شاعری است صاحب سبک که توانسته است سبک داستانهای عامیانه را وارد ادبیات داستانی نماید و این خود باعث ابتکار در ایجاد معانی و زیبایی در لفظ و بیان گردیده است (صفا، ۱۳۵۲). نظامی نیز همانند شکسپیر دارای معیار جهانی قابل ملاحظه ای است او بیشتر عمر خود را در سرودن داستانهای کهن که به مانند داستانهای رمان امروز است صرف نموده است. او گذشته از توجهی که به غنا، کلام و عرفان داشته در حماسه سرایی نیز دستی بر قلم داشته و این نشان از آن است که او یک ایرانی ملی گرا بوده است (شمیسا ۱۳۷۹). از نظامی آثار گرانبغالی بر جای مانده اما مهمترین آثار نظامی که با عنوان خمسه نظامی از آن یاد می شود شامل مخزن الاسرار، خسرو شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر و اسکندر نامه می باشد.

مخزن الاسرار شامل ۲۲۸۸ بیت است که در سال ۵۷۰ به نام فخرالدین بهرامشاه بن داود سروده شده است (زنجانی ۱۳۸۴) و شامل بیست مقاله در خصوص افکار و اندیشه های شاعر و موعظه و حکمت است که در ادامه هر کدام یک داستان آمده است (شمیسا ۱۳۷۹).

خسرو شیرین با ۶۵۰۰ بیت در سال ۵۷۶ به پایان رسید و به نام طغرل بن ارسلان سلجوقی است که داستان عشق خسرو پادشاه ساسانی به شیرین شاهزاده ارمنی را بیان می کند (زنجانی ۱۳۸۴).

لیلی و مجنون با ۴۱۳۰ بیت که در سال ۵۸۴ به نام جلال الدین شروانشاه سروده شده و داستان عشق غم انگیز مجنون و لیلی را بیان می کند؛ سومین اثر بر جای مانده از این پنج گنج می باشد (صفا ۱۳۷۷).

مثنوی چهارم هفت پیکر با بیش از پنج هزار بیت که با عنوان های دیگری چون هفت گنبد و بهرام نامه نیز آورده شده است که به نام سلطان علاء الدین سروده شده است و به داستان بهرام گور با هفت دختر از هفت اقلیم اشاره دارد (زنجانی ۱۳۸۴).

آخرین مثنوی از پنج گنج اسکندر نامه است که شامل دو بخش است: بخش اول شرفنامه با نزدیک به ۶۸۰۰ بیت که شامل داستان اسکندر از ولادت تا فتوحات و بازگشت به روم است و دوم اقبال نامه با ۳۷۰۰ بیت که ادامه شرفنامه است که هر دو به

نام محمد ایلد گز سروده شده است (همان) در میان آثار او بجز اسکندر نامه سایر آثار خود را به ابتکار سروده است و خود بر این مسئله تاکید داشته است:

عاریت کس نپذیرفته ام آنچه دلم گفت بگو گفته ام (مخزن الاسرار)

"از نظر اعتقادی، نظامی مسلمان معتقدی است و از اشعار او کاملاً روشن است که سنی مسلک است، ولی روشن نیست که پیرو کدام یک از مذاهب اهل سنت است. ایمان و اعتقاد او به رسالت نبی اکرم (ص) و خلافت خلفای راشدین به طریق سنیان کاملاً مشهود است. اعتقاد به روش اهل سنت، به طور طبیعی شاعر را از نظر اصول به سوی فکر اشعریان سوق داده است. نکته های فراوانی از شعر او قابل استنباط است که او را اشعری مسلک می نماید." (ثروت، ۱۳۷۰: ۳۶-۳۷) در اشعار نظامی به بسیاری از مسائل از جمله طب نجوم و... اشاره شده است اما از آنجا که او از سرآمدن سبک آذربایجانی است و ارتباط عمیق او با فرهنگ اسلامی و آموزه های دینی آن زمان باعث گردید که در آثار او آنچه که غالب و نمود بیشتری دارد و مورد توجه قرار گرفته است اشاره به آیات قرآن و احادیث و تلمیح به داستان پیامبران به خصوص معراج پیامبر می باشد و با تأملی در آثار نظامی در می یابیم که او آغاز داستان هایش را با ذکر و نام خداوند شروع کرده و زینت خاصی به دیوان خود داده است و بیت زیر ناظر بر این مطلب است:

بسم الله الرحمن الرحيم هست کلید در کنج حکیم (همان)

مولانا عبدالرحمن جامی نیز که در داستانسرایی از پیروان نظامی است در نفحات الانس چنین می گوید: "اکثر آن ها اگر چه به حسب صورت افسانه است، اما از روی حقیقت، کشف حقایق و معارف را بهانه است." (نوریان، ۱۳۷۰: ۷۵۴)

اشاره به انبیا و پیامبران در شعر شاعران از جمله نظامی از دو جنبه نشأت گرفته است که شامل جنبه عاطفی و جنبه سمبلیک می باشد که جنبه عاطفی نشان از اعتقادات دینی شاعر دارد و جنبه سمبلیک درک و برداشتی است که انسان از طریق توجه به معجزات و کرامات انبیا داشته است و او را به مسیر سعادت رهنمون می سازد (حمیدی ۱۳۶۶) و در تمام منظومه های نظامی توجه او را به داستان انبیا به خصوص معراج پیامبر می بینیم، او برای روشن تر کردن مفهوم اشعارش تلمیحی به روزگار انبیا و وقایع آن ها داشته است. از این رو خواننده امروزی برای فهم سخنان نظامی می بایست از نبوغ فکری خویش استفاده کند در غیر این صورت ارزش واقعی این شاعر چنان که باید شناخته نخواهد شد ولی به قول یان ریپکا: "این مساله به علت آن نیست که نبوغ نظامی شایستگی بخشش با مقیاس های عصر ما را ندارد، بلکه برعکس این عصر ماست که در مرحله ای پایین تر از نبوغ وی قرار گرفته است." (ریپکا، ۱۳۴۹: ۳۵۳)

جنبه عاطفی که نشان از اعتقادات دینی شاعر دارد در دیوان نظامی نمود خاصی دارد و بر این نکته اشاره دارد که انبیا و پیامبران فرستادگان خداوند هستند؛ تا بشر را به سوی سعادت رهنمون سازند و این امر مستلزم تبعیت از رهنمود های انبیا است. نظامی شاعری را سایه ای از پیغمبری می داند در نتیجه "شعرا را در ردیف پیامبران، منادی اخلاق حسنه و راهنمای سعادت و رستگاری بشریت قرار داد و خود به گفتار و کردار سر مشق دیگران بود" (محمّدی فشارکی و احمدی، ۱۳۸۸: ۱۲۹).

پرده ی رازی که سخن پروریست سایه ای از سایه پیغمبريست

پیش و پسی بست صف کبریا پس شعر آمد و پیش انبیا (نظامی، ۱۳۸۵: ۲۲)

اعتقاداتی که شاعر به عالم غیب، حیات پس از مرگ و وحی دارد در زندگی او اثر گذاشته و این اثر گذاری بر زبان و قلم او نیز جاری گشته است و شیوایی و لطافت آثار تا جایی بوده است که در میان مردم نفوذ یافته است و مورد پذیرش جامعه واقع گشته است. با ذکر این مقدمه به بیان سیمای انبیا از حضرت آدم تا حضرت خاتم، محمد مصطفی (ع) در اشعار نظامی بر

مبنای قصص قرآنی می پردازیم و به بیان دیگر در پی پاسخگویی به دو پرسش هستیم. ۱- نظامی در دیوان خود به هر پیامبر چه میزان توجه داشته است (از لحاظ تعداد اشاره ها)؟ ۲- به هر کدام از تلمیحات مرتبط با یک پیامبر خاص چقدر توجه شده است؟

آدم (ع)

هنگامی که خداوند اراده کرد که بر روی زمین نماینده و خلیفه ای قرار دهد فرشتگان از این خبر متحیر گشتند و با خدای خود چنین عرضه داشتند: آیا در زمین انسانی را قرار می‌دهدی که با گناه و معصیت در آن فساد کند و به خونریزی بپردازد؛ خداوند با اسرار غیبی که بر فرشتگان پوشیده بود اینگونه پاسخ داد «خداوند چیزی را می‌داند که آنان از آن آگاهی ندارند» پس از آنکه خداوند حضرت آدم (ع) را آفرید اسما الهی را به وی آموخت تا در زمین توان یافته و از آن بهرمنند گردد.

اول که این عشق پرستی نبود در عدم آوازه هستی نبود

مقبلی از کنج عدم ساز کرد سوی وجود آمد و در باز کرد (همان، ۱۳۸۵: ۳۶)

آدم (ع) از دو بعد تشکیل شده است: جسم و روح؛ خداوند پیکر و جسم انسان را از گل آفرید و روح و جان را در آن دمید و موضوع تکامل انسان تا به درجه ای رسید که به فرشتگان دستور داد چنین سنبل خلقتی را مورد تکریم و احترام قرار دهند، همه فرشتگان به امر خداوند بر آدم (ع) سجده کردند، مگر شیطان که از سر عناد و تکبر، از سجده کردن سر باز زد. در این هنگام، خدای سبحان او را از بهشت راند و به دلیل تکبیرش، وی را پیوسته تا روز قیامت مورد لعنت خویش قرار داد. (حجر ۳۵-۳۰)

«علم آدم» صفت پاک اوست «خمر طینه» شرف خاک اوست (همان)

پس از برگزیدگی آدم (ع) و سجده فرشتگان بر او از جانب خداوند دستور رسید: «گفتیم به آدم (ع) و همسرش در بهشت مسکن اختیار بنمایید و از نعمت های آن فراوان بخورید؛ ولی نزدیک این درخت برای خوردن نشوید؛ زیرا از ستمکاران (به خویشان) خواهید گردید.» (بقره، آیه ۳۵)

گر می گندم جگرش تافته چون دل گندم به دو بشکافته

او که چو گندم سر و پای نداشت بی زمی و سنگ نوایی نداشت (نظامی، ۱۳۸۵: ۳۶)

ولی شیطان به سراغ آنها آمد و آنها را وسوسه کرد هنگامی که آنها فریب شیطان خوردند. آدم و حوا (ع) به سرعت به اشتباه خود پی بردند و توبه کردند و به گناه خود اقرار نمودند ولی خداوند آدم و حوا (ع) را از بهشت به زمین فرود آورد.

نظامی نهایت تأسف آدمی را به زیباترین وجه ممکن بیان نموده و انتهای این تأسف که با توبه و پشیمانی از گناه ختم می‌شود، اما پیش از آن نوع آدم را پند و اندرز می‌دهد و سپس به سوی توبه دعوت می‌کند:

پیک دلی پیرو شیطان مباش شیر امیری سگ دربان مباش

ک نشاید ز ادیم توشست تا نکنی توبه ی آدم درست (همان، ۱۳۸۵: ۳۷)

هدف او در این داستان بیان توبه و پشیمانی است که در بیت زیر با زیبایی تمام بیان شده است:

هر نفسی کان به ندامت بود شحنه ی غوغای قیامت بود (همان، ۱۳۸۵: ۳۹)

نتایج تلمیحات نظامی به داستان حضرت آدم (ع) به شرح ذیل می باشد:

حضرت آدم	
موضوع	تعداد ابیات اشاره شده
دو بعدی بودن حضرت آدم	۴ بیت
سرگذشت آدم بعد از میوه ممنوعه	۲ بیت
توبه حضرت آدم	۱۱ بیت
دیگر تلمیحات به حضرت آدم	۱۴ بیت
جمع کل	۳۱ بیت

ابراهیم (ع)

حضرت ابراهیم یکی از پیامبران اوالعزم است که نام او در قرآن بارها ذکر شده است لقب او را خلیل الله نامیده اند که در تورات به آن اشاره شده است و در سوره نساء هم ذکر گردیده (پور نامداریان ۱۳۷۰). او از بزرگترین پیامبران الهی است که برای هدایت انسان ها فرستاده شده است. ابراهیم قوم خود را به سوی خدای یگانه دعوت می کند؛ حضرت ابراهیم (ع) به امر خدا وارد بت خانه شد و همه ی بت ها را در هم شکست و تبری را که با خود داشت بر دوش بت بزرگ گذاشت ابراهیم (ع) را نزد نمرود بردند. ایشان فرمودند: که کار بت بزرگ است؛ نمرود در جواب گفت: بت ها قادر به توانایی انجام کاری را ندارند. حضرت ابراهیم (ع) گفتند: چگونه خدایانی رامی پرستید که قادر به انجام هیچ کاری نیستند.

چو ابراهیم با بت عشق میبازد ولی بتخانه را ار بت پردازد (همان، ۱۰۱)

نمرود دستور می دهد که آتشی افروزند و ابراهیم را در آن افکنند و به لطف الهی آتش بر او گلستان می گردد. نظامی نیز در ضمن اشعار خود به گلستان شدن آتش بر ابراهیم اشاره نموده است:

مشعل یونس و چراغ کلیم بزم عیسی و باغ ابراهیم (نظامی، ۱۳۸۵: ۶۱۲)

نتایج تلمیحات نظامی به داستان حضرت ابراهیم (ع) به شرح ذیل می باشد:

حضرت ابراهیم	
گلستان شدن آتش	۲ بیت
شکستن بت ها	۱ بیت
دیگر تلمیحات به حضرت ابراهیم	۳ بیت
جمع کل	۶ بیت

حضرت خضر (ع)

در اسکندر نامه نظامی و متون ادبی دیگر به ذکر داستان پادشاهی اسکندر اشاره شده است که در این داستان شخصی با نام خضر که در سوره کهف به آن اشاره شده و ایشان از چنان جایگاه معرفتی بالایی برخوردار است که هم نشین حضرت موسی قرار می گیرد.

ثابت این راه مقیمی بود همسفر خضر کلیمی بود (نظامی، ۱۳۸۵: ۸۵)

ایشان چشمه آب حیاتی را پیدا می کند و عمر جاودانه می یابد.

خضر عنان زین سفر خشک تافت دامن خود تر شده چشمه یافت (همان، ۱۵)

چو خضر آمد ز باده سر بتابیم که آب زندگی با خضر یابیم (همان، ۳۴۱)

"خضر (ع) شخصیتی مجهول الحقیقه در فرهنگ اسلامی و دارای مقامی خاص در عرفان اسلامی بوده که به ادبیات اسلامی و فرهنگ عامه نیز راه یافته است" (حداد عادل ۱۳۷۵). "بعضی پژوهشگران ایشان را نبی و بعضی ولی دانسته اند" (دهخدا ۱۳۴۷) علت نامگذاری او به خضر بر اساس روایت این بوده است که او بر هر جا قدم می گذاشته آنجا به واسطه روییدن گیاهان سبز میگردید (مصاحب ۱۳۸۱).

اسکندر نامه نظامی پس از شاهنامه فردوسی دومین کتابی است که به داستان حضرت خضر با تفصیل و شرح فراوان نگارش یافته است.

نظامی نیز با آوردن ابیاتی همانند فردوسی بر این عقیده بوده است که خضر (ع) پیمبر است:

چنان داد فرمان در آن راه نو که خضر پیمبر بود پیشرو (نظامی، ۱۳۸۵: ۱۰۰۶)

نظامی در بعضی از ابیات خود به همراهی خضر با اسکندر نیز اشاره داشته است:

خضر سکندر منش چشمه رای قطب رصد بند مجسطی گشای (همان، ۱۷)

نتایج تلمیحات نظامی به داستان حضرت خضر (ع) به شرح ذیل می باشد:

حضرت خضر (ع)	
۱ بیت	خضر و موسی
۵ بیت	خضر و اسکندر
۷ بیت	چشمه، خضر و اسکندر
۱۸ بیت	چشمه و آب حیات
۱۹ بیت	دیگر تلمیحات به حضرت خضر
۵۰ بیت	جمع کل

داوود (ع)

یکی از پیامبران بزرگی که علاوه بر قدرت معنوی و نبوت، دارای حکومت ظاهری وسیع نیز بود، حضرت داوود (ع) است؛ که نام مبارکش شانزده بار در قرآن آمده است. در قرآن کریم درباره پیامبری ایشان و اعطای کتاب زبور به او سخن آمده است. خداوند حضرت داوود را نعمت ها و قدرت هایی بخشید از جمله اینکه خداوند کوه ها و پرندگان را در اختیار حضرت داوود قرار داد؛ دوم اینکه آهن را برایش نرم ساخت و همچنین صنعت زره سازی را به او آموخت که در جنگ در مقابل دشمنان مورد استفاده فراوان داشت و نهایتاً پیروزی بنی اسرائیل را در پی داشت. همچنین خداوند به داوود فرزندی به نام سلیمان عنایت می کند که وارث او در دانش و حکمت و سلطنت است و یکی از انبیا بزرگ الهی می گردد (تاریخ انبیا ۱۳۸۲)

چون محمود با فر و فرهنگ و شرم چو داوود از او گشته پولاد نرم (نظامی، ۱۳۸۲: ۱۰۳۰)

مرغ ز گل بوی سلیمان شنید ناله داوودی از آن بر کشید (همان، ۳۰)

نتایج تلمیحات نظامی به داستان حضرت داوود (ع) به شرح ذیل می باشد:

حضرت داوود (ع)	
۱ بیت	نرم شدن آهن
۲ بیت	داوود و سلیمان
۳ بیت	صوت زیبا
۳ بیت	ابزار آلات حضرت داوود
۹ بیت	جمع کل

سلیمان (ع)

سلیمان از پیامبران عظیم الشان بنی اسرائیل است که خداوند علاوه بر مقام پیامبری پادشاهی گسترده، علم حکمت، علم منطق الطیر و علوم دیگری همچون پدرش به او بخشید (تاریخ انبیا ۱۳۸۵).

سلیمان گذشته از مقام نبوت دارای ویژگی ها و لوازم خاصی بود که باعث شوکت او شده بوده که از جمله تخت سلیمان، نگین سلیمان، ارتباط او با مور و پرندگان، داستان بلقیس و مسخر بودن باد در دست سلیمان و... می توان اشاره نمود. نظامی نیز در ضمن اشعارش به داستان و مواردی از حضرت سلیمان اشاره دارشته است: تخت بلقیس جای دیوان نیست مرد آن تخت جز سلیمان نیست (نظامی، ۱۳۸۵: ۶۲۶)

سلیمان اگر تخت بر باد بست محمد ز بازیچه باد رست (همان، ۱۰۲۲)

سلیمان را نگین بود و تورا دین سکندر داشت آینه تو آیین (همان، ۱۰۷)

هر آن موری که یابد بر درش بار سلیمانیش باید نوبتی دار (همان، ۱۱۵)

خاک تو از باد سلیمان به است روضه چه گویم که ز رضوان به است (همان، ۱۲)

نتایج تلمیحات نظامی به داستان حضرت سلیمان (ع) به شرح ذیل می باشد:

حضرت سلیمان	
۳ بیت	سلیمان و پرندگان
۴ بیت	تخت سلیمان
۴ بیت	باد و سلیمان
۴ بیت	ملک سلیمان
۵ بیت	سلیمان و بلقیس
۶ بیت	مور و سلیمان
۷ بیت	پریان و سلیمان
۷ بیت	نگین سلیمان
۷ بیت	دیگر تلمیحات به حضرت سلیمان
۴۶ بیت	جمع کل

عیسی (ع)

حضرت عیسی (ع) یکی از پیامبران بزرگ و اولو العزم الهی است. در قرآن کریم سوره آل عمران به تشابه خلقت او با حضرت آدم اشاره شده است؛ به این معنا که خداوند او را بدون داشتن پدری از مریم که دختری پاکدامن بود به دنیا آورد (آل عمران ۵۹) خداوند به پیامبران معجزاتی عطا فرموده است؛ زندگی حضرت عیسی نیز از همان ابتدا با معجزه همراه بود به طوری که جهت دلداری مادرش مریم بواسطه کنایه های مردم در گهواره با او سخن میگفت.

سوسن یکروزه عیسی زبان داده به صبح از کف موسی نشان (نظامی، ۱۳۸۵: ۲۹)

در مورد به صلیب کشیدن حضرت عیسی روایات متفاوتی ذکر شده از جمله "ملک جهودان قصد کشتن عیسی کرد وی را در خانه ای کرد و داری بزدند و خلق حاضر آمدند. خدای تعالی جبرئیل را بفرستاد تا عیسی را از آن زندان بر گرفت و به آسمان چهارم برد و شبه او را بر قطیانوس اوکند. خلق در آمدند، وی را دیدند در هیئت عیسی، رسن در گردن وی کردند و کشید. "عتیق نیشابوری، ۱۳۶۵، ۴۷-۴۶) اما قرآن، کشته شدن و به صلیب کشیدن حضرت مسیح را رد میکند و می فرماید: آنها مسیح را نکشتند و به صلیب نکشاندند بلکه شخص دیگری را اشتباهاً به جای او به صلیب کشاندند و خودشان هم یقین به این موضوع نداشتند، بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد«(نساء، آیه ۱۵۸-۱۵۷)

ذکه ترسم مریم از بس ناشکیبی چو عیسی بر کشد بر خود صلیبی (نظامی، ۱۳۸۵: ۲۰۶)

ابن بطریق هم بر این عقیده است که خداوند او را گزند دشمنانش حفظ کرد و به آسمان ها برد تا زمان موعود بر زمین آید و پشت سر حضرت مهدی نماز بخواند. (ابن بطریق ۱۴۰۷ ق)

در بعضی از اشعار نظامی به حیوان دراز گوشی (خر) در ضمن داستانهای حضرت عیسی اشاره شده است:

زان که زنی نان کسان را صلا به که خوری چون خر عیسی گیاه (نظامی، ۱۳۸۵: ۵۱)

نتایج تلمیحات نظامی به داستان حضرت عیسی (ع) به شرح ذیل می باشد:

حضرت عیسی	
۱۰ بیت	عیسی و حیوان دراز گوش
۳۴ بیت	دیگر تلمیحات به حضرت عیسی
۴۴ بیت	جمع کل

حضرت محمد (ص)

محمد بن عبدالله آخرین فرستاده پرودگار، در ۱۷ ربیع الاول متولد شده است. در قرآن مجید خداوند چندین بار به نام پیامبر اکرم اشاره نموده است و ایشان را بستود چه به تعریض و چه به تصریح (عتیق نیشابوری ۱۳۶۵).

اکثر قریب به اتفاق شعرا و نویسندگان فارسی زبان در نعت رسول اکرم (ص) و ستایش ایشان سخن گفته و مطلب نوشته اند نظامی نیز از جمله شاعرانی است که به نعت پیامبر اکرم پرداخته است.

شاعر گنجه در نخستین مدح خود که پس از حمد و ثنای خداوند به اولیت رسول الله در خلقت پرداخته و می گوید:

تخته اول که الف نقش بست بر در محبوبه ی احمد نشست (نظامی ۱۳۸۵: ۷)

نظامی بعد از بیان اولیت به خاتمیت پیامبر نیز اشاره نموده و می‌گوید:

کنت نبیا چو غلم پیش برد ختم نبوت به محمد سپرد (نظامی، ۷)

معراج، از مسائل مهم و اساسی عقاید اسلام است که مورد شرح و تفسیر واقع شده است. شاعران زیادی، مسأله معراج را طبق ذوق و سلیقه خود، به شعر درآورده‌اند و در این میان نظامی از قدیمی‌ترین شاعرانی است که به بیان آن پرداخته است (فاضلی، ۱۳۸۶) و می‌گوید:

چشم خورشید محتاج اوست نیم هلال از شب معراج اوست (نظامی ۱۳۸۵)

از مهمترین موضوعات مطرح شده در معراج نامه نظامی مسئله رویت خداوند با چشم سر است توسط پیامبر اکرم است. (نوریان ۱۳۹۰)

نتایج تلمیحات نظامی به داستان حضرت محمد (ع) به شرح ذیل می‌باشد:

حضرت محمد	
پیمبر - پیغمبر	۳ بیت
مصطفی	۳ بیت
۱ حمد	۵ بیت
محمد	۱۹ بیت
واقعه معراج	۲۰ بیت
جمع کل	۵۰ بیت

موسی (ع)

جمعی از منجمان به نزد فرعون رفتن و او را از تولد فرزند پسری که قصد مملکت او را دارد با خبر ساختن آن فرزند موسی پسر عمران یکی از پیامبران بزرگ بود؛ در نتیجه این پیش بینی منجمان فرعون دستور داد که هر فرزند پسری متولد شود او را بکشند، پس به مادر موسی وحی آمد که موسی را در تابوت نهد و به دریا افکند به فرمان آسیه تابوت را از آب گرفتند مهر موسی بر دل همه قرار گرفت تا آنجا که فرعون او را به فرزند پذیرفت (عتیق نیشابوری ۱۳۳۸).

در ادبی فارسی حضرت موسی را بیشتر با خضر، ارنی و کلیم الله ... ذکر کرده‌اند؛ نظامی نیز از این حیث مبرا نبوده است ابیات زیر مثالی از این گونه است:

موسی از این جام تهی دید دست شیشه به کهپایه ی ارنی شکست (نظامی ۱۳۸۲: ۱۵)

سوسن یکروزه عیسی زبان داده به صبح از کف موسی نشان (همان ۲۹)

نتایج تلمیحات نظامی به داستان حضرت موسی (ع) به شرح ذیل می‌باشد:

حضرت موسی	
موسی	۱۱ بیت
جمع کل	۱۱ بیت

حضرت نوح (ع)

حضرت نوح علیه السلام اولین پیغمبر اولوالعزم است که خدای عزوجل او را با کتاب و شریعت فرستاده است ایشان نهصد و پنجاه سال مشغول دعوت قوم خود بوده در حالی که قومش بر او جفای بسیار نمودند (عتیق نیشابوری ۱۳۶۵).

خدای تعالی به نوح (ع) دستور داد تا کشتی را بسازد و ایشان در مسجدکوفه شروع به ساختن آن کرد. مردم دسته دسته از آن محل گذشته و او را مسخره می کردند و می گفتند کشتی آب می خواهد و کشتی سازی باید در لب دریا باشد و ایشان این کار را در بیابانی بدون آب انجام می داد. نوح در پاسخشان می فرمود اگر امروز شما ما را مسخره می کنید بزودی نتیجه آنرا خواهید دید. ساختن کشتی به اتمام رسید و امر خدای تعالی مبنی بر نزول عذاب صادر شد؛ در این هنگام خداوند متعال به نوح (ع) وحی فرستاد که از هر حیوان یک جفت نر و ماده سوار کشتی کند و نیز اهل خود را به جز افرادی که مقدر شده بود، هلاک شوند خدای تعالی درهای آسمان را به آبی ریزان باز کرد و زمین را به صورت چشمه هایی جوشان بشکافت، رفته رفته آب زمین را فراگرفت و بالا آمد و کشتی را از زمین کند، کشتی در موجی چون کوه های بلند سیر می کرد و طوفان همه مردم روی زمین را فراگرفت و همه را در حالی که ستمگر بودند، هلاک کرد (عتیق نیشابوری، ۱۳۶۵)

نظامی در ابیاتی اندک به نوح اشاره کرده از جمله:

نوح که لب تشنه به این خوان رسید چشمه غلط کرد و به طوفان رسید (نظامی ۱۵، ۱۳۸۵)

نتایج تلمیحات نظامی به داستان حضرت نوح (ع) به شرح ذیل می باشد:

حضرت نوح	
نوح	۷ بیت
جمع کل	۷ بیت

حضرت یوسف (ع)

یازدهمین پسر یعقوب، یوسف نام داشت که حضرت یعقوب او را از همه فرزندان بیشتر دوست می داشت. برادرانش بر او حسد می کردند. پس تصمیم گرفتند که اجازه یوسف را از پدر بگیرند و او را با خود به صحرا ببرند و سرانجام چنین کردند ... پس یوسف را در چاه افکندند و چون وقت بازگشتن ایشان آمد، بزغاله ای را کشتند و پیراهن یوسف را به خون آن آلوده کردند و نزد پدر آمدند و ابراز داشتند که گرگ یوسف را دریده است ... (عتیق نیشابوری، ۱۳۸۸)

اما یوسف را یکی از بازرگانان مصری از چاه برمیگیرد و نهایتا یوسف به درگاه مصر راه می یابد و در آنجا بزرگ می شود. در ادامه داستان یوسف وزلیخا و زندانی شدن یوسف، خواب پادشاه مصر و تعبیر آن توسط یوسف، عزیز مصر شدن یوسف و نهایتا دیدار با خانواده خود و بینا شدن یعقوب از دیگر اتفاقاتی است که در طول زندگی یوسف رخ می دهد. نظامی نیز به حضرت یوسف توجه زیادی نشان داده و بسامد نام یوسف در تمام خمسه بسیار زیاد است. در ادامه به چند مورد از این ابیات اشاره میشود:

یوسف و گرگ:

گرگ مرا حالت یوسف رسید گرگ نیم جامه نخواهم درید (نظامی، ۱۳۸۵: ۵۴)

یوسف وزلیخا:

روزی از این مصر زلیخا پناه یوسف خوش خلق برون شد ز چاه (همان: ۲۸)

یوسف وزندان:

مرد به زندان شرف آرد به دست یوسف از این روی به زندان نشست (همان: ۵۶)

یوسف و یعقوب:

نبود آگه که چون یوسف شود دور فراق از چشم یعقوبی برد نور (همان: ۱۶۵)

نتایج تلمیحات نظامی به داستان حضرت یوسف (ع) به شرح ذیل می باشد:

حضرت یوسف	
۱ بیت	زندان
۳ بیت	یوسف و یعقوب
۴ بیت	یوسف و زلیخا
۹ بیت	یوسف و چاه
۱۱ بیت	چهره زیبا
۱۴ بیت	دیگر تلمیحات به حضرت یوسف
۴۲ بیت	جمع کل

حضرت یونس:

حضرت یونس (ع)، فرزند الیاس، مشهور به یونس متی و یکی از فرستادگان الهی بود. او در نینوا به ارشاد و راهنمایی مردم پرداخت و آنها را به توحید و یکتا پرستی دعوت کرد؛ اما آنها به سخنانش توجهی نمی کردند و حضرت یونس مردم را به نزول عذاب الهی هشدار داد و بدون اذن الهی آن شهر را ترک کرد و سوار بر کشتی شد و به سمت یافا حرکت نمود. در طول مسیر با طوفانی مواجه شدند و ناخدا بر اساس اعتقاداتش علت را در وجود فرد گریز پایی دانست و قرعه به نام یونس افتاد و برای نجات کشتی و مسافران او را به دریا انداختند. او در دهان ماهی قرار گرفت و توسط او به خشکی آورده شد. (عتیق نیشابوری، ۱۳۶۵)

نظامی نیز در ابیاتی محدود به حضرت یونس (ع) اشاره نموده است:

مشعل یونس و چراغ کلیم بزم عیسی و باغ ابراهیم (نظامی، ۱۳۸۵: ۶۱۲)

نتایج تلمیحات نظامی به داستان حضرت یونس (ع) به شرح ذیل می باشد:

حضرت یونس	
۴ بیت	یونس
۴ بیت	جمع کل

نتیجه گیری:

بر اساس نتایج به دست آمده اشاره به آیات قرآنی و احادیث و داستان پیامبران در آثار نظامی جایگاه ویژه ای داشته است که این مطلب در مخزن الاسرار نمود بیشتری دارد، اشاره های مکرر به داستان پیامبر عظیم الشان و نعت و ستایش ایشان در آثارش نشان از محبوبیت و علاقه نظامی به حضرت پیامبر دارد. از آنجا که نظامی یکی از بزرگان سبک آذربایجانی است و به خاطر نزدیکی مسافت با ارمنستان ورود اصطلاحات مسیحیت در آثار نظامی به وفور دیده می شود. بر اساس آمار به دست آمده

نظامی به حضرت محمد (ص)، حضرت خضر (ع) و حضرت سلیمان بیشترین اشاره و حضرت یونس، حضرت ابراهیم (ع) و حضرت نوح (ع) به ترتیب کمترین اشاره‌ها را داشته است و از این میان چشمه آب حیات در داستان حضرت خضر و معراج پیامبر اکرم (ص) بیشترین آمار را به خود اختصاص داده است و این حاکی از این مسئله است که نظامی در مورد بعضی از پیامبران به ذکر جزئیات پرداخته است و در سایر پیامبران به اشارات کلی اکتفا نموده است.

منابع:

۱. ابن بطریق، ۱۴۰۷ ق، یحیی بن حسن، عمده عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار، دفتر نشر اسلامی، قم، ص ۴۳۰، چاپ اول.
۲. پورنامداریان، تقی، ۱۳۷۰، داستان پیامبران در کلیات شمس، مطالعات و تحقیقات فرهنگی، جلد اول.
۳. ثروت، منصور، ۱۳۷۰، گنجینه ی حکمت در آثار نظامی، تهران، امیر کبیر، چاپ اول.
۴. حمیدی، سیدجعفر، آذر ۱۳۶۶، تجلی عیسی مسیح در شعر شاعران پارسی گوی، کیهان فرهنگی، شماره ۴۵، ۴۹-۴۵.
۵. حداد عادل، غلامعلی وهمکاران، ۱۳۷۵، دانشنامه جهان اسلام، دایرة المعارف اسلامی، تهران، چاپ اول.
۶. دستگردی، وحید، مخزن الاسرار، موسسه مطبوعاتی علمی، ص ۳۶.
۷. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۲، لغتنامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۸. زنجانی، برات، ۱۳۶۲، شرح سه داستان از مخزن الاسرار نظامی حکایت سلیمان با پیر برزگر، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۰۴-۱۰۱، ۳۰۳-۳۲۴.
۹. ریپکا، یان، ۱۳۴۹، هفت شاهدخت نظامی، ترجمه محمد غروری، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۲۱.
۱۰. رسولی محلاتی، سید هاشم، تاریخ انبیاء، جلد ۲، ص ۱۹۸.
۱۱. شمیسا، سیروس، ۱۳۷۹، سبک شناسی، تهران، فردوس.
۱۲. عتیق نیشابوری، ابوبکر، ۱۳۶۵، ترجمه و قصه های قرآن، خوارزمی، چاپ دوم.
۱۳. عتیق نیشابوری، ابوبکر، ۱۳۳۸ به اهتمام مهدوی، یحیی و بیانی، مهدی، تهران.
۱۴. صفا، ذبیح الله، ۱۳۷۷، تاریخ ادبیات در ایران. فردوس.
۱۵. صفا، ذبیح الله، ۱۳۶۶، تاریخ ادبیات در ایران. فردوس.
۱۶. فاضلی، قادر، ۱۳۸۶، مجله فقه و اصول، میقات حج، شماره ۵۹، ۵۷-۷۷.
۱۷. قرآن کریم، سوره حجر، آیه ۳۵-۳۰.
۱۸. قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۵۹.
۱۹. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳۵.
۲۰. قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۵۸-۱۵۷.
۲۱. محمدی فشارکی، محسن. احمدی، آصفه، ۱۳۸۸، «داستان انبیا در منظومه هفت پیکر». پژوهش نامه زبان و ادبیات فارسی، سال اول، شماره سوم، ص ۱۲۹.
۲۲. مصاحب، غلامحسین ۱۳۸۱، شرح اصطلاحات تصوف، تهران، انتشارات رات زوار، چاپ اول.
۲۳. نظامی گنجه ای، الیاس بن یوسف، ۱۳۸۴، مخزن الاسرار، تصحیح و شرح برات زنجانی، دانشگاه تهران.
۲۴. نوریان، سید مهدی، ۱۳۷۰، جایگاه نظامی در ادبیات عرفانی ایران، نشریه ایران شناسی، سال سوم.
۲۵. نوریان، سید مهدی، حاجی زاده، مهدی، ۱۳۹۰، جلوه ی معراج پیامبر در خمسه نظامی گنجوی، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، سال سوم، شماره نهم، ص ۳۵.

Portrait of Divine Prophets in Khamse Nezami Ghanjavi

Naser Kazemkhanloo¹, Akbar Shamluo², Fatemeh Agababayii³

1. *Assistant Professor Payam Noor University of Hamedan*

2. *Assistant Professor Payam Noor University of Hamedan*

3. *Master of Persian Language and Literature*

Abstract

Many poets and learned their works after the name of the Lord, and great praise and glory of His prophets and imams are industry. Referring to the story of the prophets from the Prophet Adam to the Seal and description attributes and expressed his miracles and wonders Their works have been delicately specific delicateness. Poets allusion to the story of the divine prophets with different themes in the literature have created. Nezami ghanjavi is one of those poets who described the ascension of his poems dealt with in court and that the religious beliefs of the poet. This paper argues that a number Azabyaty that is written in the prophets in their Khamse study.

Keywords: Prophets, Nezami Ghanjavi, Allusions
